در تاريخ ۲۹ اسفند ۱۳۷۸
اجزاء

جلسه 12

بسم الله الرّحمن الرّحيم
الحمدلله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسي دلالت روايت ابو بصير

بحث در اين بود كه آيا استدلال به روايت ابو بصير براي مسئله تبديل امتثال به امتثال صحيح است يا نه؟ در بحث ديروز سند روايت را عرض كرديم كه در آن سهل بن زياد واقع شده و قرائن داله بر وثاقت سهل بيش از قرائن و شواهد بر تضعيف او هست و مي‌توان به روايت او اعتماد كرد. حال كه مسئله سند تمام شد، بحث در اين است كه دلالت اين روايت به چه نحوي است.

در روايت آمده كه كسي به نحو فرادي نماز خواند و بعد جماعتي منعقد شد، كه حضرت مي‌فرمايند: جماعت را هم با اينها بخوان، «فَقَالَ صَلِّ مَعَهُمْ يَخْتَارُ اللَّهُ أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ»، محبوب‌ترين اين دو نماز در نزد خدا، مختار خداوند است. حال آيا اين تعبير «يَخْتَارُ اللَّهُ أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ»، دلالت بر مدعاي مرحوم آخوند(ره) دارد يا نه؟ يعني دلالت بر اين دارد كه هم عمل اول امتثال است و هم عمل دوم، كه هر دو عنوان امتثال را داشته باشند، لكن خداوند أحب را اختيار مي‌كند و اگر چنين دلالتي در آن باشد، در اينجا مدعاي مرحوم آخوند(ره) ثابت مي‌شود، يعني مي‌توانيم بگوييم: روايت بر تبديل امتثال به امتثال و امتثال بعد الإمتثال دلالت دارد و اين نه تنها جايز است، بلكه صحيح و بالاتر از صحيح مطلوبيت بيشتري هم براي خداوند دارد.

اما انصاف اين است كه اين روايت دلالت بر اين معنا ندارد، مطلبي را كثيري از بزرگان در اينجا بيان كرده‌اند و آن اين است كه اين نماز دوم ديگر به قصد امتثال همان امر اول نيست، بلكه نماز دوم به قصد امتثال امر دومي است كه به استحباب جماعت تعلق پيدا كرده است.

فرض اين است كه نماز دوم نماز جماعت است و اين شخص قبلاً نمازش را فرادي خوانده و حال در جماعت شركت مي‌كند و همان نماز را مي‌خواند، كه اين نماز دوم عنوان موافقت با امر استحبابي متعلق به جماعت را دارد.

بنابراين اصلاً از موضوع بحث تبديل امتثال به امتثال خارج مي‌شود، چون عرض كرديم كه در تبديل امتثال به امتثال بايد عمل دوم به قصد همان امر وجوبي متعلق به عمل اول انجام شود، در حالي كه در اينجا عمل دوم به قصد امر استحبابي متعلق به جماعت واقع مي‌شود.

در نتيجه دو حكم و موضوع داريم و دو نوع اطاعت مطرح است كه اصلاً ربطي به بحث تبديل امتثال به امتثال ندارد، كه عرض كردم اين مطلب را كثيري از بزرگان از اصوليين در جواب از مرحوم آخوند(ره) بيان كردند.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) استحباب هم امر دارد، هم امر وجوبي و هم امر استحبابي قابل امتثال است، منتهي امتثال امر وجوبي عقلاً لازم است، اما امتثال امر استحبابي عقلاً لازم نيست و رجهان دارد. وقتي يک عمل استحبابي را انجام مي‌دهيد، الآن

به عنوان یک فرد ممتثل نسبت به دستور رجحاني مولا شناخته مي‌شويد، که اين مسلم است، و لذا مي‌گوييم: در اينجا اين عمل دوم به عنوان امتثال امر استحبابي متعلق به جماعت است و در اين صورت ديگر از بحث تبديل امتثال به امتثال خارج است.

استحباب يک عنوان زائد بر عمل است و نه عنوان غير عمل، يعني در عمل دوم همان عمل اول انجام مي‌شود، البته با يک اضافه و خصوصيت، که چون همان عمل اول با يک خصوصيت زائده است مي‌گوييم: خداوند هر کدام را خواست اختيار مي‌کند.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) اشتباه شما اين است که فکر مي‌کنيد که فقط امر استحبابي دارد، عمل دوم في الواقع هم امر وجوبي نسبت به اصل صلاة دارد و هم امر استحبابي، منتهي اين عمل دوم را به چه نيتي انجام مي‌دهيد؟ بحث الآن همين است که آيا عمل دوم را به نيت امر وجوبي متعلق به عمل اول انجام مي‌دهيد و يا به نيت امر استحبابي؟ مشهور يعني بعد از مرحوم آخوند(ره) گفته‌اند: اين عمل دوم به نيت امر استحبابي متعلق به جماعت است، و لذا قبلاً هم عرض کرديم که امام(ره) هم تصريح کرده‌اند که اين عمل دوم بايد به نيت استحباب باشد و مشهور از فقهاء از متأخرين فتوا داده‌اند که اين عمل دوم را بايد به نيت استحباب انجام دهد، که اگر به نيت استحباب بود، ديگر امتثال همان امر لزومي اول نيست.

فروض متصور در نماز دوم

اين عمل دوم را که انجام مي‌دهيد، چند فرض در آن متصور است؛ فرض اول اين است که مثلاً دو رکعت نماز صبح واجب مي‌خوانيد و بعد دو رکعت نماز مستحبي مي‌خوانيد، که در اينجا مي‌گوييم: اول واجب را انجام داديم و بعد مستحب را انجام داديم، پس اين نماز دومي که مستحب است، اصلاً ربطي به آن نماز واجب ندارد، که اين از محل بحث خارج است، يعني کسي نمي‌گويد: کسي که نمازش را فرادي خوانده و بعد که نماز جماعت منعقد شد، نماز جماعت را به عنوان امر استحبابي محض بخواند، به طوري که مرتبط به آن نماز نباشد، براي اين که اگر مرتبط به آن نباشد، ديگر «يَخْتَارُ اللَّهُ أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ» معنا ندارد.

لذا اين قطعاً از مورد روايت خارج است، يعني اگر دو نماز؛ چه واجبين و چه مستحبين و چه مختلفين؛ يکي واجب و يکي مستحب، هيچ ربطي به هم نداشته باشند، در اينجا مقايسه و اينکه خدا اهم را اختيار مي‌کند معنا ندارد.

فرض دوم اين است که نماز فرادايش را که به نيت امتثال امر وجوبي خوانده، نماز جماعتش را هم به همان نيت بخواند، يعني نماز جماعت را هم به نيت امر وجوبي مي‌خواند، که اگر اين تصحيح شد، تبديل امتثال به امتثال مي‌شود و علي الظاهر مثل مرحوم آخوند(ره) بايد قائل باشند که اين نماز جماعتي که بعد مي‌خواهد بخواند، بايد به نيت وجوب بخواند.

فرض سوم اين است که نماز اول را به صورت فرادي خوانده و حال نماز دوم را در عين اينکه مصداق براي طبيعت صلاتي است، که در امر اول بوده، يک اضافه‌اي هم دارد و جمع بين اين دو خصوصيت است، يعني در نماز دوم؛ هم عملش به عنوان مصداق واجب واقع مي‌شود و هم اينکه به نيت امتثال امر استحبابي است، که بايد دقت کنيم که در کيفيت جمع بين اين دو عنوان عمل مي‌کنيم.

فرمايش مرحوم آخوند(ره) فقط در فرضي است که عمل دوم به عنوان امتثال آن امر باشد و هيچ اضافه‌اي هم نداشته باشد، يعني فرمايش مرحوم آخوند(ره) در فرضي است که به شرط لا از اضافه باشد.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) غرض اقصي در ملاک است و نه در امتثال، يعني در عمل دوم نيت غرض اقصي را نمي‌کنيد، بلکه مي‌گوييد که: يک عمل دومي انجام مي‌دهم، لعل که آن غرض اقصي حاصل شود، و الا غرض اقصي در اختيار شما نيست که

بخواهيد نيت كنيد.

طبق فرمايش مرحوم آخوند(ره) عمل دوم در فرضي است كه عين همان نحوه‌اي كه در عمل اول بوده انجام دهيد، اگر اين باشد كه تبديل امتثال به امتثال مي‌شود، اما اگر بخواهد عمل دوم، عين همان عمل اول باشد، بايد در عمل دوم هم به نيت امتثال امر لزومي اول، به شرط لا باشد، يعني اصلاً نبايد چيز ديگري مطرح شود كه اگر اين باشد، تبديل امتثال به امتثال مي‌شود.

اما اگر ما گفتيم كه: عمل دوم همان خصوصيت عمل اول را دارد، يعني همان طور كه عمل اول مصداق براي آن طبيعت مأموربه است، عمل دوم هم مصداق بر آن است، منتهي در عمل دوم مصداق دوم را به نيت آن امر نمي‌آوريم، بلكه مصداق دوم را به نيت امر استحبابي مي‌آوريم.

نظر استاد محترم در اشكال بر مدعاي آخوند(ره)

نظير مطلبي كه از فرمايش امام(ره) نقل كرديم و همان را هم اختيار كرديم كه در اين روايات صلاة جماعت، عمل دوم امتثال امر اول نيست، براي اينكه امر اول به عمل اول تمام شده و ساقط مي‌شود، اما عمل دوم مصداق ديگري براي طبيعت مأموربه است. مثلا اين كه دو ركعت نماز صبح مي‌خوانيد و دو ركعت هم به نيت الإستحباب مي‌خوانيد، كه اين دو ركعت دومي كه به نيت استحباب مي‌خوانيد، مصداق آن طبيعت مأموربه نيست، اما اين نماز جماعت دوم دو خصوصيت دارد؛ يكي اينكه مصداق دوم براي آن طبيعت است و شما به نيت آن امر متعلق به طبيعت انجام نمي‌دهيد، بلكه به نيت امر استحبابي انجام مي‌دهيد.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) امر وجوبي متعلق به طبيعت صلاة است، اما الآن كه نماز را خوانديد، آيا اين نماز مصداقي از اين طبيعت مأموربه هست يا نه؟ اگر نماز دوم را خوانديد، اين نماز دوم هم يک مصداق دوم از همان طبيعت مأموربه است. قبلاً هم عرض كرده و گفتيم كه: مسئله‌ي امتثال بعد الإمتثال در جايي است كه بعد از امتثال اول بگوييم كه: امر باقي است و لذا عمل دوم را هم به نيت همان امر اول انجام مي‌دهيم كه اين امتثال بعد الإمتثال مي‌شود، اما در اينجا مي‌گوييم كه: كسي نماز فراديش را خوانده، اين مصداق براي طبيعت مأموربه وجوبي هست و بلا إشكال امر به آن هم ساقط مي‌شود، اما مصداق دوم را قبلاً از راه غرض و نه امر درست كرديم.

اينكه گفتيم: اگر به عقل مراجعه كنيم مي‌گويد: اگر مولا امري كرد و امرش را اتيان كرديد، يقين داريد كه امر مولا از ذمه شما ساقط شده، اما مي‌توانيد بگوييد كه: مصداق ديگري مي‌آورم كه شايد اين مصداق اوفا به غرض مولا باشد، كه آوردن مصداق دوم متوقف بر امر نيست، كه اينها را قبلاً حل كرديم، يعني در مقام ثبوت وقتي كه گفتيم: تبديل امتثال به امتثال نمي‌شود، مگر به اين نحو كه اسم اين را هم نمي‌شود تبديل امتثال به امتثال گذاشت، بلكه اسم اين را مي‌شود اضافه كردن مصداق دوم بعد از مصداق اول گذاشت، كه اين مصداق دوم نياز به امر ندارد و همين صرف غرض مولا كافي است.

بنا بر اين حساب عرض كرديم كه ثبوتاً اصلاً لازم نيست كه جماعت هم باشد، بلكه مثلاً نمازم را خواندم، دوباره نماز دومي انجام مي‌دهم و در آن مي‌گويم: اين را به عنوان اينكه شايد غرض مولا را بيشتر تحصيل كنم و يقين هم دارم كه امر متعلق به نماز اول ساقط شده است انجام مي‌دهم.

بنابراين در اينجا هم مي‌گوييم كه: اين روايات صلات جماعت، آن مقداري كه دلالت دارد اين است مصداق دومي را بياوريم، لذا عمل دوم بي ارتباط به عمل اول نيست و اين هم مصداقي از همان طبيعت كليه صلاتي است كه مأموربه بوده است، لذا با نماز اول يقيناً امر وجوبي ساقط شده و اين مصداق دوم را، آن مقداري كه مسلم است اينكه به نيت استحباب و امر استحبابي متعلق به جماعت بياوريم.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) این فرمایش نتیجه‌اش این است که یک امر وجوبي به خود صلاة داریم و یک امر استحبابي به جماعت، که این را نمي‌توانیم بگوییم که: همان امر است، بلکه یک امر وجوبي به اصل صلات داریم و یک امر استحبابي به اینکه جماعت هم برقرار شود که باید نیت استحباب کنید، که طبق این بیان باید نیت استحباب بکنید، یعني در نماز دوم ـ حال جماعت یک مثال است ـ خصوصیت زائده‌اي هست که مي‌خواهید آن خصوصیت زائده را انجام دهید.

ببینید «أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ» را مشهور این گونه بیان کرده و مرحوم آخوند(ره) هم این طور بیان مي‌کند که مشهور مي‌گویند: «أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ» یعني اشاره به نماز جماعت دارد، چون جماعت أحب صلاتین در نزد خداست، این تعبیري است که خداوند یا ائمه نخواستند به صورت مطلق جماعت را اختیار کنند، بلکه فرمودند: «أحبهما» که همین جماعت باشد.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) جواب این را عرض کردیم که دو نوع مستحب و واجب؛ یکي مثل اینکه دو رکعت نماز صبح بخواند و بعد هم دو رکعت مستحبي که هیچ ارتباطي با هم ندارد، اما در مستحب و واجبي که مستحب مصداقیت براي واجب هم دارد، مي‌تواند تعبیر «أحبهما» در آن بکار رود و این امر استحبابي با وجود مصداقیت این عمل براي واجب است. به تعبیر بهتر اگر شارع بگوید: «هذا العمل مستحب و هذا العمل واجب»، در اینجا معنا ندارد که بگوید: «أحبهما»، اما اگر بگوید: «هذا العمل واجب» و بعد هم بگوید: این مصداق از واجب هم مستحب است، یعني این مصداق از واجب تمام آن ملاک وجوبي را همراه با یک اضافه‌اي داراست.

مثال مورد بحث این است که یک نماز فرادي خوانده و بعد یک امر استحبابي به جماعت تعلق پیدا کرده و این جماعت هم مصداق واجب است. لذا بحث این است که امر استحبابي به چه چیزي متعلق است؟ اگر شارع از اول بگوید: این دو رکعت مستحب است و این دو رکعت هم واجب، در اینجا «أحبهما» معنا ندارد، اما اگر بگوید: این دو رکعت واجب است و بعد بگوید: این دو رکعت دیگر که مي‌تواند مصداق آن باشد، به خاطر این خصوصیت مستحب هم هست، در این صورت «أحبهما» معنا ندارد.

اشکال دوم بر مدعاي آخوند(ره)

جواب دوم این است که در این «يَخْتَارُ اللهُ أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ» دو احتمال وجود دارد؛ این «یختار» از جهت امتثال است و یا از جهت إعطاء ثواب، فرمایش مرحوم آخوند(ره) بنا بر کدام یک از این دو احتمال درست است؟ بنا بر این احتمال که بگوییم اختیار از جهت امتثال است که اگر کسي نماز فرادي خواند و بعد همان نماز را به جماعت هم خواند، «یختار الله لجهت الإمتثال أحبهما»، در این صورت فرمایش مرحوم آخوند(ره) درست مي‌شود که ممکن است نماز دوم أحب باشد و یا اول احب باشد و هر دویش هم امتثال است.

اما در اینجا مي‌گوییم که: اختیار از جهت إعطا ثواب و اجر است که دو نماز خواندید، نماز اول به نیت وجوب بوده و تمام شده و بعد یک نماز استحبابي هم خواندید، حال شارع از جهت اجر و ثواب، چون أجر و ثواب در اختیار شارع است، هر کدام را بخواهد اختیار مي‌کند و اصلاً بحث این نیست که این عمل دوم عنوان امتثال را داشته باشد یا نداشته باشد.

اشکال سوم بر مدعاي آخوند(ره)

جواب سومي در کلمات مرحوم محقق اصفهاني(ره) است که مطلب را مقداري فسلفي کرده و فرموده: همان طور که یک عمل با ضد اقواي خودش از بین مي‌رود، با مثل أقواي خودش هم منقلب مي‌شود، و لذا همان طور که اگر بعد از نماز گناهي کردید، این گناه ضد أقوایي است که تمام اجر نماز را از بین مي‌برد، همچنین اگر بعد از نماز یک مثل أقوي آوردید، آن وقت مثل أقوي

حضور پيدا كرده و آن نماز قبلي كنار مي‌رود.

البته اين تعبير، يک تعبير فلسفي است و اين تعابير فلسفي در اين مباحث عرفي راه پيدا نمي‌كند كه اين را بايد كنار گذاشت.

حمل روايت ابو بصير بر تقيه

آخرين مطلبي كه عرض مي‌كنيم اين است كه بعضي از اساتيد ما(حفظه الله) اينها فرمودند كه: اصلاً اين «أحبهما إليه» نظر به نماز فرادي دارد، چون در زماني كه اين روايات از ائمه(عليهم السلام) صادر شده، تمام مساجد در اختيار عامه بوده و امام جماعتش هم از عامه بوده، حال شيعه در خانه نماز خوانده و بعد آمده در مسجد و ديده كه عامه دارند نماز مي‌خوانند، حضرت فرمودند: تو با اينها نماز بخوان، اما آن نماز فرادي تو أحب است و نمي‌توانسته به تصريح بفرمايد كه: اين نماز جماعت «ليس باحب»، لذا مقصود امام(عليه السلام) از أحب همان نماز فرادي است.

براي اثبات اين مطلب به بعضي از روايات استدلال كردند كه صلاة خلف اينها مثل صلاة پشت جدار مي‌ماند، و لذا اصلاً روايت را روي اين معنا بردند كه «أحب» همان مصداق اول و نماز فرادي است كه با اين بيان باز اين روايت را هم در باب تقيه بردند كه قبلاً هم گفتيم كه روايات باب تقيه از محل بحث خارج است.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) بله، ممكن است وقتي كه ابو بصير سؤال كرده، عده‌اي هم نشسته باشند و اينطور نيست كه ابو بصير و امام تنها نشسته باشند، بلكه معمولاً در مجلس عده‌اي بوده‌اند. لذا اين هم جواب ديگري از مدعاي مرحوم آخوند(ره) است كه با توجه به اين مطلب هم روايت دلالت روشني بر مسئله‌ي تبديل امتثال به امتثال ندارد.

و صلّى الله على محمد و آله الطاهرين